

## روزنامه نگاری و دشواری نوشتن



رضا صائمى  
خبرنگار گروه فرهنگ

در دشواری روزنامه نگاری همین بس که در ذیل مشاغل سخت تعریف شده است. به قول محمود شمس الواعظین، روزنامه نگاری در ایران چیزی شبیه به قدم زدن روی میدان مین می ماند. احکامی که برای روزنامه نگاران در بند می آید، خود حکایت مشقت های این شغل است. گرچه معتقدم روزنامه نگاری بیش از آنکه مشغله باشد، دغدغه است؛ دغدغه ای که گاهی حق می دهد و داغ می کند. از سختی های روزنامه نگاری سخن بسیار می توان گفت اما من در اینجا می خواهم به یکی از آنها اشاره کنم و آن از سویه نویسی روزنامه نگاری می آید، از ماهیت نویسنده آن. نوشتن همواره با شکلی از درون گرایی، سکوت و عزت گزینی گره می خورد تا مجالسی برای تخیل خلاقه فراهم شود و تفکر در واژه هایی که نگاشته می شود بنشیند. روزنامه نگاری اما جهانی پرهیاهو و ملتهب است. با شتاب، سرعت و حرکتی پیوسته پیوند دارد. موج های سهمگین رخ داده نامی گذارد تا در ساحل امن سکوت و اندیشه بنشیند و صبوری کنی تا کلمات عاقل شوند. قلمت باید همیشه قهرق روزی که حالت خوش نباشد و ذهنت مغشوش و پریشان که آنگاه روزنامه نگاری چیزی نیست جز عذاب الیم نوشتن! هر چه غم و رنج و درد داری را باید در بغرنجی این تجربه، تاب آوری تا پرچم نگارش بر زمین ملال و رخوت نیفتد. روزنامه نگاری در زمین ذهن ایستادن است؛ ذهنی که اگر آرام نباشد، باید امش کنی تا قلمت زیر آلام نفست از نفس نیفتد. روزنامه نگاری دشواری وظیفه است. با این حال جهان روزنامه نگاری و نوشتن مرا به یاد رضا متقالی (پرویز پرستویی) در فیلم «مارمولک» می اندازد که هر وقت احساس خطر و ناامنی می کرد سریع به لباس روحانیتش پناه می برد و در پس آن احساس امنیت می کرد. گویی آن لباس برای او یک خلوت و فردیت امن فراهم می کرد که وقتی آن را می پوشید، هم از تهدید خطرهای بیرونی مصون می ماند، هم این حس امنیت به او حس طمأنینه و اطمینان می داد. همه ما چیزی شبیه به این لباس را در زندگی خود داریم که وقتی دچار اضطراب و اضطراب می شویم به آن چنگ می زنیم تا در پناه امن آن آرام بگیریم و نقطه اتکایی برای خود در هیاهوی این جهان آشفته و پراشوب بسازیم. این چیز برای روزنامه نگار «نوشتن» است. نوشتن برای روزنامه نگار حکم همان لباس رضا مارمولک را دارد تا دلپره های هستی را تاب آورد و بار سنگینش را از شانه های خودش سبک کند. گویی نوشتن راهی است تا معنایی برای ملال بی معنایی بیابد و آن را به نقطه اتکایی برای زیستن تبدیل کند. دست به قلم می شوند تا پای پلیدی ها را قلم کنند. نوشتن مجالی است تا آدمی، اضطراب های وجودی اش را سامان دهد و آشفتنگی های ذهنی اش در متن، متین شود و عقل و دلش به یگانگی برسد و او را از رنج «از خود بیگانگی» برهاند. نگارش فقط اندیشه های خود را نوشتن نیست، ریشه های خود را جستن هم هست. واژه را به واژه یافتن تا خود را در آن یافتن. این میل به نوشتن اما از شهوت کلام نیست، از مشقت آلام است؛ از رنجی که می برد؛ رنج زیستن در جامعه ای که آدمی را به میانمایگی و ابتدال سوق می دهد و به بنیادینش وا می دارد. از این رو نوشتن برای روزنامه نگار نوعی مقاومت در مقابل این وضعیت رقت انگیز است تا در محاق روزمرگی نیفتد و زندگی روزمره از معنا و غنا، تهی و از سویه های زیبایی شناسی خود خالی نشود که احساس پوچی حاصل می آید تا زینت است، نه بی تالم بودن. حاصل تن دادن به زیستن است که از دایره رفیع نیازها فراتر نمی رود و به لذتی فراتر از آن دست نمی یابد. به قول رامین جهانگیرلو: «تعهد به نوشتن، تلاشی برای تفکر انتقادی در روزگار میانمایگی و ابتدال است.» نوشتن انتقادی نوعی دگراندیشی است. دگراندیشی اما صرفاً رادیکالیسم یا روشنفکرانمایی و تظاهر به متفاوت بودن نیست، کنشی است که تجربه های زندگی را به خود آگاهی تبدیل می کند. نوعی مقاومت رهایی بخش است، مقاومت در برابر هر آنچه می خواهد زندگی را به بردگی تقلیل دهد. باز هم به قول جهانگیرلو: «در هنگامه مقاومت است که انسان ها تجربه خود را از زندگی کشف می کنند.» نوشتن برای روزنامه نگار مکاشفه زندگی است در لحظه خوش خود آگاهی و رهایی از رنج بیهودگی. زندگی روزنامه نگاری.

۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com  
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کریاسچی  
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زید آبادی  
• سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیبر  
• دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)  
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)  
• مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری  
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار  
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین)  
• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸  
• لیتوگرافی و چاپ: همیپن. • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



## منتقدان علیه فرهنگستان

مدیریت ۱۳ ماهه مجید شاه حسینی بر فرهنگستان هنر مورد انتقاد جمعی از اعضاء، مدیران و کارشناسان این نهاد قرار گرفته است

داشته باشند گذشته اند. این نکته ای است که کارشناس فرهنگستان هنر با اشاره به آن می افزاید: «فرهنگستان هنر، خانه همه هنرمندان، پژوهشگران، سرآمدان عرصه فرهنگ و هنر است. این افراد باید احساس کنند که این نهاد متعلق به خودشان است. در حالی که رفتار مدیریت کنونی موجب رمیده شدن آن ها و عدم علاقه شان به قدم گذاشتن در این فضا است. مصیبتی بزرگ که نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت. آن چه فرهنگستان هنر باید انجام دهد «جریان سازی» است. ما تا کید بسیار زیادی بر حوزه ایران فرهنگی داشتیم. در واقع با علم به اینکه یکی از مهم ترین ظرفیت های کشور ما حوزه فرهنگ و هنر است می کوشیدیم گستره پهنای ایران فرهنگی را احیا کنیم. فرهنگستان هنر با بازیابی وجه بین المللی خود به دعوت از هنرمندان حوزه ایران فرهنگی می پرداخت و حتی برخی از این هنرمندان از جمله صدرالمنین عینی از تاجیکستان، عضو افتخاری فرهنگستان هنر شده بودند. ضمن اینکه فرهنگستان هنر به صورت ویژه بر روی مناطق گوناگونی که زمانی جزو قلمرو فرهنگی ایران بودند متمرکز شده بود. جملگی این ها سیاست هایی را الهام می داد که ریاست فرهنگستان هنر در هر دوره ای باید به آن ها توجه کند. در حالی که وقتی مسئولی در طول حضور ۱۳ ماهه اش در این نهاد حاضر به برگزاری یک نشست عمومی با کارشناسان، اعضای هیئت علمی و کارمندان خود نیست می توان توقع داشت به چنین سیاست های راهبردی واقعی بگذارد؟! این ها از جمله مسائلی است که در نامه به عقیده من «به شدت منصفانه» جمعی از اعضاء، مدیران و کارشناسان فرهنگستان هنر در ارزیابی کارنامه ۱۳ ماهه شاه حسینی مورد اشاره قرار گرفته است.»



نرگس کیانی  
خبرنگار گروه فرهنگ

انتشار نامه ای سرگشاده از سوی برخی اعضاء، مدیران و کارشناسان فرهنگستان هنر در انتقاد به دوران مدیریت ۱۳ ماهه مجید شاه حسینی بر این نهاد از جمله اتفاقات این روزهای فضای فرهنگی و هنری ایران است. نامه ای چهار صفحه ای که در آن دستاورد دوران مدیریت شاه حسینی «تقریباً هیچ» خوانده شده و در بخشی از آن آمده است اکنون که یک سال ولادی از کنار گذاشته شدن بهمن نامور مطلق و آغاز ریاست مجید شاه حسینی بر فرهنگستان هنر می گذرد زمان مناسبی برای ارزیابی عملکرد و دستاورد یک ساله اوست. فرهنگستان هنر در اسفندماه سال ۱۳۷۷ به منظور «پاسداری از میراث و هنر اسلامی و ملی و پیش نهاد سیاست ها، راهبردها و دستیابی به آخرین یافته ها و نوآوری ها و نیز ارتقای فرهنگ اسلامی برای مقابله با تهدیدات فرهنگ مهاجم» شکل گرفت. این نهاد طبق ماده ۱۳ اساسنامه آن مؤسسه ای با شخصیت حقوقی مستقل که به نهاد ریاست جمهوری وابسته است تعریف شد. ریاست فرهنگستان از آغاز تأسیس بر عهده میر حسین موسوی بود تا اینکه در دی ماه ۱۳۸۸، محمدعلی معلم افغانی به جای او نشست. با پایان یافتن دوران ریاست معلم دامغانی در شهریورماه ۱۳۹۷ معاون امور هنری فرهنگستان، علیرضا اسماعیلی، سرپرست شد. از ۱۹ بهمن ۱۳۹۹ بهمن ماه نامور مطلق به ریاست فرهنگستان رسید. در تاریخ ۳۰ خردادماه ۱۴۰۲ حکم برکناری بهمن نامور مطلق ابلاغ و مجید شاه حسینی جانشین او شد تا دورانی را رقم بزند که اکنون با نامه انتقادی برخی از اعضاء، مدیران و کارشناسان فرهنگستان هنر مواجه شده است.

## مخفلی مشکل از حلقه های محدود و بسته

در بی انتشار نامه مذکور، یکی از سوالاتی که مطرح شد این بود که رسالت اصلی فرهنگستان هنر چیست که تخطی از آن در دوران ۱۳ ماهه مدیریت مجید شاه حسینی منجر به شکل گیری انتقادات گسترده شده است. یکی از کارشناسان فرهنگستان هنر که به دلایلی مایل به ذکر نامش در این گزارش نبود، در پاسخ به این سوال به «همیپن» می گوید: «فرهنگستان هنر، نهادی منحصر بفرد است و هر شخصی که به ریاست آن می رسد، باید متوجه جایگاه این نهاد و مأموریتی که بر اساس اساسنامه اش به آن محول شده است باشد. از جمله مهم ترین این مأموریت های توان به جایگاه فرهنگستان به عنوان نهادی بالادستی اشاره کرد. یک نهاد بالادستی، علی القاعده باید از نگاهی ملی برخوردار باشد. سیاست گذاری های این نهاد باید سیاست گذاری هایی راهبردی و کلان باشد. این نهاد باید با نگاهی جامع الاطراف به رصد، پایش و آمایش وضعیت فرهنگ و هنر کشور بپردازد. سپس نتیجه این پایش را در اختیار نهادهای تصمیم گیر قرار دهد تا آن را در برنامه ریزی های شان لحاظ کنند. فرهنگستان هنر نهادی ملی است که چتر آن باید بر همه حوزه های فرهنگ و هنر، همه هنرمندان و همه سلیقه ها گسترده باشد. آن چه اشاره کردم از جمله وظایف محول شده به فرهنگستان هنر بر اساس اساسنامه آن است. حال اگر ریاست این نهاد به شخصی سپرده شود که از یک سو جناحی عمل کند و از سوی دیگر راه ورود را تنها برای مخفلی مشکل از حلقه محدود و بسته به گرد خود باز بگذارد مسلماً منجر به آسیب جدی خواهد شد. از همین رو مشاهده می کنیم، نهادی که راه گشا و ریل گذار اصلی هنر کشور بود به نهادی بی اثر و بی شخصیت تبدیل شده است.»

## قطع امید هنرمندان از جایی که خانه شان بود

از جمله دیگر انتقادات وارده به دوران مدیریت مجید شاه حسینی، قطع شدن ارتباط بخشی از جامعه هنری با این نهاد است؛ به گونه ای که منتقدان معتقدند برای نگاهی به آن چه در طول دوران ۱۳ ماهه حضور مجید شاه حسینی در فرهنگستان هنر گذشته است کافی است با ۱۰ هنرمند تراز اول به گفتگو بنشینید تا ببینید در طول این مدت حتی پای شان را در جایی که باید حکم خانه شان را

## چهره

## از پیشگامان سینمای مدرن



فریدون رهنما دوم خردادماه ۱۳۰۹ در تهران به دنیا آمد. او در کودکی بنابه دلایلی مجبور شد با خانواده اش به لبنان مهاجرت و دوران کودکی خود را در آنجا سپری کند. رهنما با رسیدن به سن نوجوانی، به تهران بازگشت و تحصیلات خود را آغاز کرد. او با گذراندن دوران متوسطه تصمیم گرفت برای ادامه تحصیل به فرانسه سفر کند و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته ادبیات در دانشگاه سوربن شروع کرد. پس از این دوران، رهنما با بازگشت به ایران در ۱۳۲۶ خورشیدی نخستین دفتر شعرش را به زبان فارسی با عنوان «هیچ»، با نام مستعار «کوچه» منتشر کرد. رهنما در سال ۱۳۳۹ نخستین فیلم مستند خود «تخت جمشید»، در سال ۱۳۴۶ «سیاوش در تخت جمشید» و در فاصله سال های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۳ «پسر ایران از مادرش بی خبر است» را ساخت. فریدون رهنما را باید در کنار ابراهیم گلستان و فرخ غفاری از پیشگامان سینمای مدرن و روشنفکری در ایران به حساب آورد. او با اینکه سه فیلم بیشتر نساخت، اما با نوآوری ها و جسارت های فرمی و بیانی خود، نقش مهمی در ارتقای زبان و فرهنگ سینما در ایران داشت. رهنما در ۱۷ مردادماه ۱۳۵۴ در سن ۴۵ سالگی بر اثر بیماری مغزی در پاریس درگذشت.

## کتابخانه

## موسیقی دان یهودستیز

کتاب «طلای رایسن و چند گفتار درباره ی ریشارد واگنر و حلقه نیبلونگ» درباره ی ریشارد واگنر است. ویلهلم ریشارد واگنر آهنگساز، رهبر ارکستر و نظریه پرداز موسیقی قرن نوزده آلمان بود و از او به عنوان پیشگام موسیقی مدرن اروپا و ادامه دهنده ی راه



## طلای رایسن

نویسنده:

سورنا صالح

انتشارات: گیلگمش

بتهوون یاد می شود. عمده ی شهرت او به دلیل اپراهایش بود. از جمله اپراهای بی نظیر او می توان از «هلندی سرگردان»، «تریستان و ایزولده»، «تتهوور»، «حلقه نیبلونگ» یاد کرد. «حلقه نیبلونگ»، اپرایی چهار قسمتی با بخش های طلای رایسن، دی والکوری، زیگفرد و غروب خدایان با زمان اجرایی حدوداً ۱۶ ساعته است که از مهم ترین کارهای او محسوب می شود. کتاب «طلای رایسن» که نامش را از بخش اول اپرایی حلقه ی نیبلونگ گرفته، کوششی است برای شناساندن ریشارد واگنر. کسی که احتمالاً به دلیل یهودستیزی، موافقان و مخالفانی دارد که درباره ی کیستی او یکدیگر را به کج فهمی متهم می کنند. کتاب «طلای رایسن» چند گفتار درباره ی ریشارد واگنر و حلقه ی نیبلونگ، نوشته ی سورنا صالح در ۱۹۸ صفحه و با قیمت ۲۳۰ هزار تومان توسط انتشارات گیلگمش منتشر شده است.

## تاریخ

## استعفای نیکسون

۸ آگوست ۱۹۷۴ (۱۷ مردادماه ۱۳۵۳)، ریچارد نیکسون، رئیس جمهور وقت آمریکا در پی رسوایی موسوم به واترگیت از مقام خود استعفا داد. ماجرای این رسوایی این بود که در جریان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۹۷۲، افرادی از حزب جمهوری خواه وارد ستاد مرکزی انتخابات حزب دموکرات در ساختمان هتل واترگیت واشنگتن شدند و علاوه بر سرقت بخشی از اسناد، میکروفون های مخفی را برای استراق سمع کار گذاشتند. این ماجرا پس از پیروزی نیکسون در انتخابات از طرف دوروزنامه نگار آمریکایی کشف و جریان آن در روزنامه واشنگتن پست منتشر شد. کار به کنگره و دیوان عالی کشور کشید و نیکسون در برابر اتهامات وارده منی بر اطلاع از این کار و صدور مجوز آن، نقش خود را به کلی انکار کرد. او حتی کسانی را که متهم به شرکت در این قضیه شده بودند از مقام خود منفصل کرد، ولی مقام های برکنار شده، در جریان رسیدگی به این ماجرا در کنگره و مراجع قضایی، شواهد غیرقابل انکاری از دخالت و اطلاع شخص رئیس جمهور در این قضیه ارائه دادند. نیکسون سرانجام اعتراف کرد که از این داستان اطلاع داشته است و برای جلوگیری از برکناری، خود استعفا داد.

